ادامه از صفحه اول

تخریب دانشگاه با لودر

...به عبارت دیگر، امام‌جمعه شـهر نجف‌آباد و آقای غلامی، معاون استاندار اصفهان که به‌عنوان دو نفر از مسئولان بلندپایه استان اصفهان شناخته می‌شوند، در مواجهه با یک رخداد مجرمانه و غیرقانونی از مجرم می‌خواهند به دور از چشم آنها این کار را انجام دهد. وقتی برخورد بـزرگان با پدیده‌های مجرمانه این‌گونه است، از دیگران چه انتظاری می‌توان داشت؟

سـوم: از آنجا که حداقل یک‌چهـارم پروژه مذکور در جوار ملک دانشگاه آزاد نجف‌آباد است، هماهنگی و همراهی مدیران این مرکز دانشگاهی در مسیر طراحی و اجرای پروژه ضروری اسـت. طراحی، تنظیم اسناد، درخواسـت بودجه از نهادهای بالادسـتی، انتخاب پیمانـکار، تجهیز کارگاه پیمانکار و... فرایندی بوده که حداقل از دو سـال قبل شروع شده، پس چطور اولین مکاتبه دانشگاه آزاد در مهر ۱۴۰۰ انجام شده است؟

وقتی قـدرت پیش‌بینی و هماهنگـی نهادی به نام شـهرداری نجف‌آباد در مقام کارفرمای پروژه در این حد است، از دیگر شرکت‌ها و سازمان‌ها چه انتظاری می‌توان داشت؟

چهارم: اگرچه از وقوع این رخداد چهار روز می‌گذرد، اما تـا این لحظه به‌جز روابط‌عمومی دانشـگاه آزاد نجف‌آباد، هیچ شخص و سازمان حقیقی و حقوقی دیگری دراین‌باره اظهارنظر نکرده است. چه شده که در این خصوص هیچ‌یک از فرهیختگان و مسـئولان این شـهر اظهارنظری نکرده‌اند؟ یک دلیل می‌تواند این باشـد که در ۱۰ سال گذشـته آن‌قدر این مسائل را با نماینده شـهر در میان گذاشـته‌اند و بی‌اعتنایی دیده‌اند که دیگر خسته شده‌اند. دلیل دیگر شاید این باشـد که چنان جو ترس و محدودیت در این شـهر حاکم شده که دیگر کسـی حاضر نیست این ریسک را بپذیرد که خود را در این‌گونه مسائل درگیر کرده و رفتار مسئولی را نقد کند.

پنجـم: اصولا از وظایـف ذاتی و مهم هـر نماینده مجلـس، پیگیـری و اصـلاح اموری ماننـد همین «طولانی‌بـودن بوروکراسـی در مسـیر پیشـرفت پروژه‌ها» اسـت. اتفاقـا نهادی که بایـد در اصلاح این زمینه پیش‌قدم باشـد، همین نهاد قانون‌گذاری اسـت. این مشـکل نه‌تنها مشـکلی پیش‌روی یک نماینـده مجلس، بلکه مشـکلی پیـش‌روی همه اشخاص حقیقی و حقوقی‌ای است که برای پیشبرد امور اجرائـی درگیر بوروکراسـی و مراحل وقت‌گیر می‌شوند. آیا دیگر اشـخاصی که در چنین شرایطی قـرار می‌گیرند نیز می‌توانند مانند نماینده این شـهر اقدام کنند؟

ششم: تا همین چند سـال قبل عبارت «جهادی» بین همه مسـئولان و مدیران به شـوخی و جدی بیان می‌شـد. چه در سخنرانی‌ها، چه در نامه‌های اداری و چه در جلسـات دوسـتانه، همـواره این عبارت بر زبان مسئولان جاری بود. همه امور باید «جهادی» انجام می‌شـد. ایـن اصطلاحی بود که محمدباقـر قالیباف آن را رواج داد. اکنون همه‌جا عبـارت «فوری-انقلابی» بر زبان همه مسـئولان جاری اسـت؛ عبارتی که ابراهیم رئیسـی آن را بر سـر زبان‌ها انداخت. بااین‌حال گویا لازم است این عبارت برای برخی مسئولان یا برای ما مردم تبیین شـود. بالاخره ما اشتباه برداشت کرده‌ایم یا برخی مسئولان؟

هفتم: متأسفانه پس از گذشـت ۴۲ سال از استقرار نظام جمهوری اسلامی، وضعیت حکمرانی آن‌چنان است که بوروکراسی حتی حوصله نماینده مجلس را هم سـر برده است. انگار کاری را نمی‌توان در این مملکت پیش بـرد، مگر با زور و تخلـف. البته باید شما خودی باشـید تا این زور و تخلف دیده نشود یا اینکه دیده شـده و به‌عنوان کاری پسـندیده شمرده شود؛ اگر نخودی باشید، به خاطر زورگویی و تخلفی که انجام داده‌اید به اشد مجازات خواهید رسید.

هشـتم: این تخریب با عنوان «حمله به یک دانشگاه با لـودر توسـط نماینـده مجلس» در وب‌سـایت روزنامه دنیای اقتصاد تیتر شـده بـود. انگار که این حملـه فیزیکی و تخریـب دیوار دانشـگاه، معنایی سمبلیک نیز داشـته و آن این بوده: حمله به دانش و فرهیختگی؛ حمله به علم و دستاوردهای بشری؛ حمله به آگاهی و بیداری؛ حمله به هر آنچه که فرد را داناتـر، آگاه‌تر، مطالبه‌گرتـر، فرهیخته‌تر و ناآرام‌تر می‌کند.

نهم: بعد از حدود هشت ماه از زمانی که یک نماینده مجلس به صورت یک مأمور وظیفه پلیس راهنمایی و رانندگی سـیلی زد، هنوز نتیجه و حکم دادگاه در این خصوص مشخص نشده اسـت. اکنون بار دیگر قـوه قضائیه در آسـتانه آزمونی دیگر قـرار گرفته؛ اینکه با مجرمی‌که خود نماینده مجلس است و قبلا دادستان بوده و کارمند دادگسـتری، چطور برخورد کند. مضاف بر این، دادستان شهر نجف‌آباد که کمتر از یک ماه اسـت به این سـمت منصوب شده نیز در آسـتانه آزمونی قرار گرفته تا مشخص کند در چنین رخدادهایی چطور برخورد خواهد کرد.

دهم: در چهار روز گذشـته، هـر روز منتظر بودیم تا ابوترابی در سـخنرانی، نوشته یا از هر طریق دیگری، تلویحـا عذرخواهی کند و اشـتباهش را بپذیرد. اما نه‌تنها عذرخواهی‌ای از ایشان دیده نشد، بلکه ایشان در گفت‌وگو با بخش‌های مختلف خبری صداوسیما و در شـبکه‌های مجازی همچنـان درصدد توجیه «حمله به یک دانشـگاه با لودر» اسـت. باید ایستاد و دید موضع برخورد مسئولان دیگر شهر نجف‌آباد، مسئولان کشـوری، قوه قضائیه و آحاد مردم به این رخداد چیست.

***پژوهشگر اقتصاد رفتاری، دانشگاه شهید بهشتی**

نگاهی به یک خواسته مهم دولت ایران در بحث‌های اخیر احیای برجام

ماجرای «تضمین» و گزینه‌های ایران

عکس: AFP

روح‌اله نخعـی: پرونده برجام همچنـان بین خوف و رجا معلق است. از خروج آمریکا از توافق، تا تغییرات دولت در دو کشـور که هرکدام اثرگذاری خود را روی مسـیر این توافق داشـته‌اند و عوامل مختلفی که در شـکل‌گیری این وضعیـت مؤثر بوده‌انـد؛ اما یکی از مسـائلی که چالشی برای مسـیر احیای برجام است، خواسـته ایران اسـت که از چندی پیش مطرح شده: ارائه تضمین از سـوی آمریکا دربـاره برجام. ایران از طرف مقابل می‌خواهد تضمینی ارائه دهد که اتفاقی که بـا تصمیم ترامـپ رخ داد، تکرار نشـود؛ اما این تضمین چیسـت، تا چه حد شـدنی است و ایران چه گزینه‌هایی درباره آن دارد؟

دوباره گزیده‌نشدن از یک سوراخ

احیای برجام در ایـن مرحله علاوه بر کارهایی که طرف‌های دیگر باید بکنند، متضمن اقداماتی است که ایران باید انجام دهـد. در صورت احیای توافق و رفع تحریم‌ها و عمل دیگر بازیگران به تعهداتشـان، ایران طبق وعده قبلی‌اش به وضعیتی بازخواهد گشت که باید طبق توافق رعایت کند. مسئله اینجاست که ایران یـک بار در هنـگام امضای توافق چنین کرده اسـت؛ اما بعد با یک انتخابـات و تصمیم یک رئیس‌جمهور جدید، عملا بخش عمده آنچه بنا بود ایران از امضای توافق کسب کند، از دست رفت. وجود برجام و ادامه حضور ایـران در آن البتـه مانع از آن شـد که طرف آمریکایی مسـیر را آن‌طورکه می‌خواهد، تغییر دهد و بخش عمده انرژی تیم ترامپ در تلاشـی ناکام برای ازبین‌بـردن توافق هدر رفت؛ درعین‌حـال ایران نیز با کارزار فشـار حداکثری و تحریم‌هایی مواجه شـد که مسـیرهای بسیاری را برای ایران مسـدود کرد. اکنون ایده این اسـت که آمریکا به‌نوعی بـه ایران اطمینان دهـد که پس از احیای برجام، اگر باز قدرت در آمریکا دسـت به دسـت شـد، دوباره همه به همین نقطه بازنگردند. روی کاغذ این درخواسـت از سـوی ایران قابل درک است؛ اما نگاهی به ساختارهای بین‌المللی و نیز سـاختار سیاسـی داخلی ایالات متحده ماجرا را پیچیده‌تر نشان می‌دهد.

نهاد قدرتی که نیست

ایران از جمله کشـورهایی است که در آن، بخشی از سـاختار تصمیم‌گیـری از دولـت منفـک اسـت. سـاختارهایی در ایران وجود دارد که براسـاس آنها مفهومی بـه نام «سیاسـت‌های کلی نظام» شـکل یافته اسـت و نهادهایی هسـتند که پیگیری و اعمال این سیاسـت‌ها را دنبال می‌کنند؛ اما در ایالات متحده چنیـن نهادهایی وجود نـدارد و در عمل، تمام قدرت در دولـت و کنگره قرار دارد. حتی شـخصی که عملا نقش «رئیس قوه قضائیه» را در آمریکا بر عهده دارد، عضو کابینه اسـت. در این ساختار، کنگره دو مجلسی آمریکا «رئیس» هم ندارد و حتی ممکن است یکی از دو مجلس در اختیار حزبی باشـد و دیگری در اختیار حزبـی دیگر. در عمل، رئیس‌جمهـور آمریکا صاحب قدرتمندترین کرسـی در صحنه سیاسـی این کشـور است. این باعث شده برخی تصور کنند رئیس‌جمهور آمریـکا صاحب قدرت تامه در این کشـور اسـت؛ اما از طرفـی محـدوده تصمیمات او به کنگره وابسـته اسـت و از طرفی حتی دامنه اختیارات او نیز به دوره ریاسـت‌جمهوری او بستگی دارد. در نتیجه نهادی در آمریکا وجـود ندارد که بتوان با تکیـه بر مواضع آن، تداومی با شـکل مدنظر ایران از آن انتظار داشت. این تازه محدودیتی اسـت که سـاختار تعیین می‌کند. در عمل ماجرا پیچیده‌تر هم می‌شود.

اتفاق نظری که نیست

حتی در محدوده تعیین‌شده در ساختار نیز مسائلی هسـتند که به‌سادگی دسـتخوش تغییر و فرازونشیب نمی‌شوند و دست‌بردن در آنها گاهی از رؤسای‌جمهور نیز برنمی‌آید. این مسـائل اغلب دو ویژگی دارند: اول اینکه قانـون و قاعده‌ای پیش‌تر دربـاره آنها تصویب شـده که لغوکردنش نیاز به توانایی سیاسی بالا دارد و دوم اینکه اکثریت درخورتوجهی از بازیگران واشنگتن دربـاره آنها نظر مشـابه دارند یا دسـت‌کم حاضر به تـلاش و هزینـه علیه آنها نیسـتند. بحـث برجام در میان این مسائل قرار نمی‌گیرد. برعکس، در واشنگتن، پیداکردن حامیان برجام که حاضر به تلاش برای حفظ مسـیر تعامل با ایران باشـند، کار سخت‌تری است. به همین دلیل بـود که در آمریکا، برخـلاف ایران، پروژه برجام نـه در قوه مقننه بلکه از سـوی رئیس‌جمهور وقـت، باراک اوباما، در قوه مجریه پیگیری شـد؛ چون اوباما می‌دانسـت که نمی‌تواند در کنگره رأی کافی در این زمینه جمع کند. حالا به همان دلیل، مسـیری که می‌تواند برهم‌زدن برجام را در آمریکا، اگر نه غیرممکن بلکه سخت کند، وجود ندارد؛ چون در ترکیب فعلی، با اکثریت‌های لب مرزی دموکرات‌ها که حتی خودشـان هـم دربـاره برجام متحد نیسـتند، دولـت نمی‌تواند طرحی دراین‌باره را از کنگره با موفقیت عبور دهد تا در مقابل تصمیم نفر بعدی از آن محافظت کند.

نهادهای بین‌المللی‌ای که بازدارنده نیستند

ایـده دیگـر، اسـتفاده از ظرفیت‌هـای نهادهای بین‌المللی است، مثلا به این شکل که خروج از توافق منوط به اجازه یا موافقت سـازمان ملل متحد شـود؛ اما این مسـیری است که پیش‌تر طی شد و البته ناکام ماند. برجام به همین شـکل فعلی پشتوانه قطع‌نامه شـورای امنیت سـازمان ملل را داشـت؛ اما چنان‌که دیدیم، جایی که رئیس‌جمهور آمریکا حاضر به صرف هزینه سیاسی و تقابل با متحدانش باشد، سازمان ملل کاری از پیش نمی‌برد.

چه باید کرد؟

تا اینجا دیدیم که خواسـت ایـران درباره تضمین، مسـیر ناممکنی در آمریکا پیش‌روی خـود دارد؛ اما ایران باید در مقابل چه کند؟ دو سـناریو در این زمینه پیش‌روی ایران اسـت؛ اما در بررسـی هر دو آنها باید بـه بندهایی توجه کـرد که در آنها با گذشـت زمان، محدودیت‌های هسـته‌ای و نظامی ایران کمتر و کمتر می‌شـود. یکی از آنها، یعنی یکـی از محدودیت‌های تسـلیحاتی طبق همان توافق در سـال ۲۰۲۰ گذشته اسـت. اگر ایـران با همین شـرایطی که ایـن توافق دارد، به برجـام بازگردد؛ اما برنده‌هـای انتخابات در تعداد محدودی از دوره‌هـای آینده، مثل ترامپ برای برهم‌زدن توافقـات و مقابله با ایران عزم جزم نکنند، موضوع کأن لم یکن خواهد شـد؛ چون بدون تضمین نیز ما با دولت‌هایی مواجه خواهیم بود که خود حامی حفظ برجام هستند. اگر پس از احیای برجام، در یکی از دوره‌های آینده انتخابـات و در بدبینانه‌ترین حالت، همین سـال ۲۰۲۴، رئیس‌جمهـور جمهوری‌خواه و ضدبرجامی بر سر کار بیاید، چه؟ برای چنین سناریویی دو چشـم‌انداز احتمالی پیش‌روی ایران است؛ اما در هر دو چشـم‌انداز به نظر واضح می‌رسـد که تصمیم درست برای ایران احیای برجام در اسرع وقت است.

پیچیده‌کردن مسیر تکرار

یکی از نقدها پس از خروج آمریکا از برجام نسبت به دولـت ایران این بـود که از فرصـت برقراری این توافق آن‌طور که باید و شـاید بهره نبرده است. گفته می‌شـد که در فاصله امضای برجام تا خروج آمریکا، اگر ایران می‌توانست کشورهای مختلف و حتی برخی از بازیگـران صحنه آمریـکا را در زمین خود به لحاظ تجـاری و اقتصـادی درگیر کند، هـم هزینه خروج از برجام برای آمریکا بـالا می‌رفت و هم انگیزه دیگران برای مقابله با تصمیمی مثـل تصمیم ترامپ. چنین عاملی می‌توانسـت مانع از خروج ترامـپ از برجام هم بشود. چنین مسـیری اکنون نیز موجود است. اگر ایران پس از احیـای برجام، با قدرت و جدیت لازم به دنبال گـره‌زدن منافع دیگران به منافع خود برود و در این مسـیر موفق شود، راه سخت‌تری برای تکرار بازی ترامپ پیـش‌رو خواهد بود که یا ایـن کار را ناممکن می‌کند یا اثرگذاری آن را بسیار محدودتر. این بار البته مسـئله دیگری نیز ممکن است به کار ایران بیاید؛ این حقیقـت که چنین اقدامـی، تکرار بدعهـدی و رفتار خـلاف قانون آمریکا بـوده، هم بـرای گفت‌وگوهای احتمالـی لازم و هم حتی در شـرایطی کـه ایران در نهایت به تصمیمات دیگری برسـد، اهرمی در دست ایران خواهد بود.

مسیر مفید در مقابل آینده تکراری

حتـی اگـر بدبینانه‌تریـن سـناریو را هـم در نظر بگیریم، باز احیای برجام در این مقطع به سـود ایران خواهد بـود. فرض کنیم که دولت بعـدی آمریکا به جمهوری‌خواهان ترامپیسـت ضدبرجام برسـد، آنها هماننـد ترامپ از توافـق خارج شـوند و طرف‌های اروپایی و شـرقی نیـز کاری از پیش نبرنـد. ایران نیز دوباره در همین موضع قرار بگیرد و با فشار حداکثری و تحریم مواجه شـود. در همین سـناریو، سریع‌ترین زمان ممکن برای وقوع سـال ۲۰۲۵ یا ۲۰۲۶ میلادی است. اولا تا آن زمان بخشی از بندهای زمان‌دار برجام دوره خود را طی کرده‌اند و دسـت ایران در بخشی از مسـائل- چه آمریکا بخواهد چه نخواهد- باز خواهد شـد، چنان‌که در همـان دوره ترامپ نیز تلاش دولت آمریکا برای ممانعت از گذر زمان در جلسـه شـورای امنیت حتی به بحث گذاشته نشد. ثانیا، درحال‌حاضر ایران به هر سـمتی که می‌چرخـد، مانعی مربوط به برجام و تحریم را پیش‌روی خود می‌بیند. اگر ایران در اسرع وقت احیای برجام را به نتیجه برساند، حتی اگر برهم‌خوردن دوباره آن از سـوی آمریکا قطعی باشد، در همیـن فاصله ایران خواهد توانسـت در شـرایط بدون تحریم و بدون فشار حداکثری، پروژه‌های متعدد دیپلماتیـک و اقتصادی را در منطقـه و جهان پیش ببرد و بدون مزاحمـت تحریم به فروش نفت و دیگر اقلام مدنظـر خود و در مقابل خریـد همه چیزهایی بپردازد که در این مدت برای تهیه آنها به دیوار فشـار حداکثری آمریکا می‌خورد؛ از واکسـن و اقلام دارویی و پزشـکی، تا دیگـر اقلامی که تهیه آنهـا از خارج از کشـور مطلوب ایران اسـت. در چنین سـناریویی در بدبینانه‌ترین حالت نیز ایران تا سه یا چهار سال خارج از این فشار خواهد زیست و خواهد توانست در همین فرصت، سـنگربندی‌های اقتصادی لازم را انجام دهد تا در صورت تکرار فشـار حداکثری و در بدترین حالت درصورتی‌که هیچ‌کس هیچ کار متفاوتی نتواند بکند، بـاز برای مواجهه بـا آن آماده‌تر باشـد. واقعیت این است که با یا بدون دریافت تضمینی که درحال‌حاضر مسیری برای دریافت آن نمی‌توان متصور بود، احیای برجام در اسـرع وقت و رفع تحریم‌هـا در نتیجه آن، بهتریـن گزینه و بلکـه گزینه‌ای ضروری بـرای ایران در جهـت دنبال‌کـردن دیگر پروژه‌هـای اقتصادی و دیپلماتیک کشور است.

ادامه از صفحه اول

تحول بنیادی یا انقراض تدریجی

این در حالی اسـت که اقدامات ضعیف و سست سیاسـت‌مداران جهان، به‌ویژه کشورهای ثروتمند، در پایبندی به تعهداتشان باعث شـده دبیر کل سازمان ملـل متحـد نیز اعلام کنـد که جهان بـا خطر عدم موفقیـت این اجلاس روبه‌رو اسـت و از کشـورهای ثروتمند خواسـت به تعهداتشـان عمل کنند. آقای گوتـرش گزارش فوق را «اعـلام وضعیت قرمز برای بشـریت» توصیف و تأکید کرد که بشـر در لبه پرتگاه اسـت؛ بنابراین باید گام بعدی خـود، یعنی اجلاس گلاسـگو را با دقت زیادی بردارد. پاپ فرانسـیس نیز جهان و کشـورهای ثروتمند را به اقدام جدی در قبال این خطـر فراخواند. عامل اصلی تغییـرات اقلیمی استفاده از سوخت‌های فسـیلی، به‌ویژه زغال سنگ، اسـت که منشـأ بیش از ۷۵ درصد از دی‌اکسیدکربن و ظهور پدیده گلخانه‌ای است. محدودکردن مصرف انرژی با منشأ فسیلی اصلی‌ترین چالش در کنترل این فرایند و مهم‌ترین عامل کشـمکش در بین کشورهای درحال‌توسعه و ثروتمند جهان است. این یک واقعیت است که ادامه اقتصاد زغال سنگ، نفت و گاز طبیعی عامل اصلی توقف روند زندگی و توسعه بشر و نهایتا انقراض بشریت خواهد بود. اهمیت اصلی کنفرانس گلاسـگو این است که علم، دیپلماسـی، کنشگری و افکار عمومی تنها مکانیسمی که درحال‌حاضر بشریت برای مقابله با خطر انقراض خودش در دسـت دارد، مکانیسمی اسـت که خود نیز محدودیت‌هایی جدی پیش‌رو دارد. اجلاس پاریس مکانیسم‌هایی مدیریتی، نظارتـی و مالی جهت محدودکردن انتشـار گازهای گلخانه‌ای تعیین کرده بود، ازجمله کمک صد میلیارد دلاری به‌منظور کمک به کشـورهای درحال‌توسـعه که به‌دلیـل عدم وفای به عهد کشـورهای صنعتی، به‌ویژه ایالات متحده، به عمل منجر نشده است. عدم حضور رؤسـای جمهور چین، روسیه، برزیل و بسیاری کشـورها در کنفرانس گلاسـگو و تلاش‌های برخی کشورهای صنعتی جهان برای استفاده از این نشست به‌منظور پیشبرد مقاصد سیاسی خود، تأییدکننده عدم اراده سیاسـی رهبران جهانی برای حل مشکل بوده و مؤید پیش‌بینی مأیوسـانه دبیر کل سازمان ملل در موفقیت و دستاورد عملی این اجلاس است. نگرانی طرفداران محیط زیست و فعالان مدنی از عدم کارایی این مکانیسـم‌ها و وجود ضعف اراده سیاسی رهبران جهان نیـز باعث برگـزاری بزرگ‌تریـن راهپیمایی و اعتراضات مدنی از سوی گروه‌های فعال محیط زیستی و معترض به رهبران سیاسی هم‌زمان با برگزاری این اجلاس در گلاسگو شده است.

تأثیر مضاعـف تغییرات اقلیمی بر آسـیا و ایران: انتظار می‌رود قاره آسـیا متحمل یکی از سخت‌ترین آسـیب‌های جهان در اثر گرم‌شـدن کره زمین باشد. گزارش هیئت بین دولتی تغییر اقلیم (IPCC) هشدار داده اسـت که امواج گرمایی مکرر و شدیدتر در آسیا باعث افزایش مرگ‌ومیر در میان اقشـار آسیب‌پذیر بر اثر سـیلاب‌های مکرر و خشک‌سالی خواهد شد و بر کشاورزی و تشدید فقر روستایی و تهدید امنیت غذایی منطقه آسیا از جمله ایران تأثیر منفی خواهد گذاشت. تغییرات شـدید آب‌وهوا و بلایای طبیعی مستقیم با بحران آب‌وهوایی مرتبط هستند و تنها در سال ۲۰۱۹ باعث ایجاد خسارت اقتصادی ۲۳۲ میلیارد دلاری در سراسر جهان شـده است. آسیا و اقیانوسیه به‌تنهایی تقریبـا نیمی از مجمـوع این خسـارت را که معادل ۱۰۷ میلیارد اسـت، متحمل شده‌اند. براساس گزارش ویژه اکونومیسـت در آخرین شـماره ایـن هفته‌نامه، اثـرات مخرب تغییـر اقلیم در هیچ‌جـای جهان به اندازه آسیا مهم نیسـت. بیش از ۱.۵ میلیارد آسیایی در مناطـق اسـتوایی و صدها میلیون نفـر از آنها در نزدیکی سـواحل زندگی می‌کنند که در معرض خطر بالاآمدن سـطح دریاهـای آزاد و نابودی هسـتند. از طرف دیگر برای اینکه اقتصاد آنها به رشد خود ادامه دهد، آنها به انرژی فسیلی بیشتری نیاز دارند. اگر این کشورها بخواهند کماکان به شیوه دهه‌های گذشته به سـوخت فسیلی متکی باشند، باید هزینه‌های فزاینده مقابله با حوادث طبیعی (سیل‌ها، توفان‌ها، موج‌های گرمـا و خشک‌سـالی و ریزگردها) را بسـیار بیش از کشورهای توسـعه‌یافته و صنعتی ثروتمند متحمل شـوند. در حقیقت با گرم‌شـدن جهان، این کشورها باید سـریع‌تر حرکـت کنند تا صرفـا در همان مکان فعلی خود بمانند و در درازمـدت، تنها راه آنها برای ادامه رشد، کنارگذاشتن سـوخت‌های فسیلی است. این امر مستلزم آن است که کشورهای آسیایی که در بیشتر آنها انتشار گازهای گلخانه‌ای همچنان در حال افزایش است (در مقایسه به کشورهای توسعه‌یافته کـه انتشـار گازهـای گلخانـه‌ای در آنهـا در حال کاهش است)، از انتشـار گازهای گلخانه‌ای در آینده چشم‌پوشی کنند. به‌همین‌دلیل بسیاری از کشورهای آسـیایی مانند هند در اعتراض به ناعادلانه‌بودن این معادله، تاکنـون از پذیرش تعهدات به‌منظور کاهش گازهای گلخانـه‌ای خودداری کرده‌انـد. نکته‌ای که ضـرورت توجه و تأکید مـا ایرانیان بر ایـن مقوله را دوچنـدان می‌کند تأثیرات به‌مراتب مخرب این فرایند بر آینده مردم و سرزمین ایران است. به‌منظور شناخت عمیق‌تر از پدیده فوق و در یک تحلیل کلان از تأثیرات این فاجعه جهانی بر قاره آسـیا و ایـران می‌توان به دو بعد خاص آن اشـاره کـرد، اولین و مهم‌ترین رکن تأثیرگـذاری مفـرط پدیـده تغییـرات آب‌وهوایی بر تخریب شـیوه معیشت و زندگی و اختلال در سیستم تولید است و دومین عرصه اثرگذاری بر اقتصاد ایران در محدودیت جـدی بهره‌برداری از منابع سـوخت فسـیلی، به‌عنـوان منبـع درآمد ملی در سـال‌های آتی اسـت. با توجه به اثرات اقتصادی تحریم‌ها و با عنایت به شرایط اقلیمی ایران و قرارگرفتن در منطقه خشک و نیمه‌خشک و بحران آبی که بیش از دو دهه از ظهور آن می‌گذرد، بی‌شـک بر پیچیدگی شـرایط اقلیمی، محیطی و معیشـتی در سـطح منطقه‌ای و ملی به‌صورت فزاینده افزوده خواهد شـد. دفعات و شکل ظهور بلایا و حوادث غیرمترقبه طبیعی در ایران سیر صعودی گرفته و حوادث غیرمترقبه به یک پدیده نرمال تبدیل شـده است. ظهور روبه‌رشد ریزگردها در بسـیاری از مناطق کشور همراه با شدت‌گرفتن بحران آب از یک سو زندگی مردم را به مخاطره انداخته و از سـوی دیگر فرایند تولید را با مشکلات فراوان روبه‌رو کرده اسـت. بخش کشـاورزی که تأمین‌کننده امنیت غذایی است، بیشـترین ضربه را خواهد خورد، اساسا بخش کشـاورزی وابستگی شـدید به محیط طبیعی از جملـه آب‌وهـوا دارد و زمانی کـه آب‌وهوا تغییر می‌کند، اکوسیسـتم تولید را با اختلال روبه‌رو می‌کند. تغییر در دما، بارش و تابش نور خورشـید بر وضعیت زمین‌های قابل کشت، حیات دام و دسترسی به منابع آب تأثیر می‌گـذارد. اثر تغییـرات اقلیمی در این حد محدود نمانده و به‌صورت دومینو اثرات گسترده‌تری بر کشاورزی و زندگی کشاورزان می‌گذارد، تغییرات در آب‌وهوا زنجیـره‌ای از حوادث را به وجود می‌آورد، از یک سـو با تأثیر بر بیولوژی و فیزیولوژی گیاهان، زمان گلدهـی، فرایند رشـد و زمان برداشـت محصولات کشـاورزی را متأثر می‌کند و از سوی دیگر با تغییر در نرخ تبخیـر و تعرق گیاهان تعـادل رطوبت نیاز آبی گیاهـان را تغییر می‌دهد. تغییر در اقلیم باعث تحول در اکوسیسـتم گیاهی و حشرات شده و شدت و نوع و زمـان حملات آفات را تغییر می‌دهد، تغییراتی جدی و پیش‌بینی‌نشده که به پیچیدگی و دشواری مدیریت مزرعه می‌افزاید. افزایش دما باعث تغییر سـطح آب زیرزمینـی، دمای آب و همچنین کیفیت آب و کاهش چشـمگیر منابع آب زیرزمینی (به‌دلیل کاهش بارش و افزایش تبخیر) می‌شود. حوادث غیرمترقبه (سیل، توفان و...) که نتیجه تغییرات اقلیمی است نیز نه‌تنها مستقیما جان کشـاورزان را می‌گیرد، بلکه با تخریب زمیـن زراعی، تأسیسـات و محصولات آنهـا را نابود می‌کند. موارد گفته‌شده، بر کمیت و کیفیت تولید مواد غذایی تأثیر می‌گذارد که این امر به‌نوبه خود بر اقتصاد روسـتایی، درآمد خانوارهـای تولیدکننده و همچنین درآمـد بخش کشـاورزی و تولید ملی و سـوءتغذیه کشـورها تأثیر بسـزایی خواهد گذاشـت. مواجهه با شـرایط فوق نیازمنـد یک راهبرد ملی و بازاندیشـی نسبت به وضعیت و روند کنونی اقتصاد کلان ملی و طبعا تحول بنیادی در سمت‌گیری و شیوه حکمرانی و مدیریت منابع و بحران‌های فزاینده است که به‌صورت جدی نظام و حیات ملی و بشری را تهدید می‌کند.

گزارش

روایت جابری‌انصاری از واکنش سردار سلیمانی به استعفای ظریف

● معاون پیشـین عربی و آفریقـای وزارت امور خارجه در نشسـتی درباره سـپهبد شـهید قاسم سـلیمانی در کلاب‌هاوس، واکنش حاج قاسـم سلیمانی به اسـتعفای محمدجواد ظریف در پی بی‌اطلاعی از سفر بشار اسد به تهران را روایت کرد. به گزارش خبرآنلاین، صادق‌حسین جابری‌انصاری گفت: «آن دو، سه روزی که وزیر خارجه به محل کار خود نیامدند، با جشنواره بین‌المللی فیلم فجر در تهران هم‌زمان بود. آن شـب، حدود ساعت ۹ داشـتم از محل کارم در میدان امام خمینی(ره) به وزارت ارشـاد می‌رفتم که یک فیلم سـینمایی جشـنواره را ببینم. حاج قاسـم تماس گرفت و با ابراز ناراحتی از اتفاقی که افتاده بود، گفت جریان چیسـت؟ چرا این‌طور شـد؟ باید سریع جمعش کنیـم». او افـزود: «من آنجا به روال همیشـگی شفافیت و صراحتی که دارم نگاه خودم را مطرح کردم که به تهران آمدن رئیس‌جمهور سـوریه به لحاظ نمادین و نشـانه‌های سیاسـی و راهبردی خیلی معنا دارد. شـرایط سـوریه عادی نیست و رئیس‌جمهور این کشـور سـفر خارجی نمی‌رود. تنها یکی، دو بار به مسکو رفته است که رابطه دو کشور و نقش روسـیه در بحران سوریه مشخص اسـت. در چنین وضعیتی اینکه بـه تهران آمده، نمادی از نفوذ، تأثیرگذاری و قدرت ایران در سوریه و منطقه است».

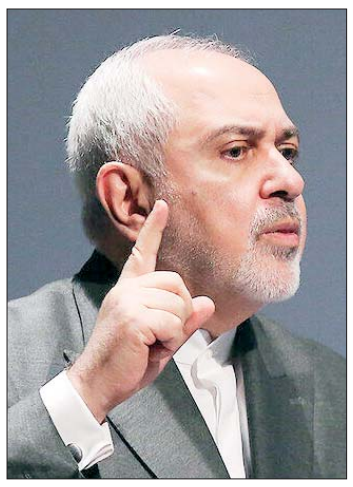

جابری‌انصـاری ادامـه داد: «گفتـم این یک موفقیـت نمادیـن بزرگ بـرای ایران بـود، اما با توجه‌نکـردن به برخی جوانـب موضوع، به یک نقطه ضعف تبدیل شد؛ یعنی یک مسئله اختلافی شد که حال باید آن را جمع‌وجور کرد. ایشان هیچ بحثی با مـن نکرد که این‌طور نیسـت. برعکس، چنـد دقیقه توضیح دادند که نیـت و قصدی در کار نبوده که این‌گونه شـود و دفتر رئیس‌جمهور و رئیس‌جمهور از سفر مطلع بوده‌اند و فرض من این بوده که به وزیـر خارجه هم اطلاع می‌دهند. به هر حـال بعد از این توضیحـات اقناعی، همه حرف شهید سـلیمانی این بود که الان باید کمک کنیم هرچه زودتر این مسـئله حل شـود و به این شکل نماند».

او تأکید کرد: «حاج قاسـمی که به‌عنوان نماد میدان معرفی می‌شود و به‌حق و درست هم نماد میدان است و شخصیت اسطوره‌ای و برجسته این قطعه از تاریخ ایران است که ماندگار خواهد بود، بـا همه افـکار، اولویت‌ها و برنامه‌هـای خود، پا در یـک کفش کرد تا هرچـه زودتر کدورتی که بر اثر این موضوع ایجاد شـده بود، رفع شود. شهید سـلیمانی به خانه دکتر ظریـف رفت و با محبت و ویژگی‌های ارتباطی که داشـت، بـه این ماجرا خاتمه داد».

سفر بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه، به تهران در اسـفندماه ۱۳۹۷ انجام شـد. او در این سفر و با حضور سـردار سـلیمانی به دیدار مقام معظم رهبری و سـپس بـه دیـدار رئیس‌جمهور وقت رفـت، اما وزیر خارجه در هیچ‌کدام از این دیدارها حضور نداشـت. محمـود واعظـی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور وقت نیـز در تصاویر مربوط به این دیدارها دیده شـد. ظریف، وزیـر خارجه ایران، در واکنش به بی‌اطلاعی وزارت خارجه از این سـفر، سـاعاتی پس از انتشار خبر سـفر از سمت خود استعفا داد.

بهرام قاسمی، سخنگوی وقت وزارت خارجه، همان زمـان دراین‌باره گفت: «تعـداد محدودی به‌جز وزیر امور خارجه می‌توانسـتند از آن اطلاع داشـته باشـند و وزارت امـور خارجـه در هیچ سطحی از آن اطلاع نداشـت و این بی‌اطلاعی تا پایان سفر حفظ شد». کاظم جلالی، نماینده وقت مجلس نیز از ظریف نقل کرد که حتی اگر در آغاز دیدار به او خبر داده می‌شـد، می‌توانسـت خود را برسـاند تا دسـت‌کم در تصاویر حضور داشته باشـد. وزیر خارجه وقت در آن زمان گفته بود این اقدام به اعتبـار و جایگاه او و نهاد وزارت خارجه در صحنـه بین‌المللی ضربه زده اسـت. حسـن روحانـی، رئیس‌جمهـور وقت با انتشـار نامه‌ای اعلام کرد اسـتعفای ظریف را نمی‌پذیرد و سردار سـلیمانی نیز با نامه دیگری اعلام کرد غیبت وزیر خارجه از دیدار با بشـار اسـد تعمدی نبوده و به برخـی ناهماهنگی‌ها در نهاد ریاسـت‌جمهوری برمی‌گردد. پس از ایـن نامه‌ها و با دلجویی‌هایی که انجام شـد، ظریف در نهایـت پذیرفت به کار خود برگردد.